

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 99/07/06

موضوع: شرحی بر خطبه دوم نهج البلاغه در خلافت الهی امیرالمؤمنین (2)

برنامه حبل المتین

فهرست مطالب این سخنرانی:

بیان خلاصه ای از مطالب جلسه گذشته

اهلبیت (علیهم السلام) جایگاه و مخزن علم و اسرار الهی

پیامبر و اهلبیت (علیهم السلام) واسطه مطلق عالم هستی

اگر مردم با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بیعت می کردند چه می شد!؟

اهلبیت (علیهم السلام) کوه های استوار دین، برای جلوگیری از انحراف دین

برادران اهل سنت، اینجا را خوب و با دقت بخوانند!!

آیا «ابن عباس» و فرزندانش هم جزء اهل بیت پیامبر محسوب می شوند!؟

تماس بینندگان برنامه

آرزوی دست نیافتنی «عایشه» و «ام سلمه»!!

مجری:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله
الطاهرين

شکسته بال و پری شوق آسمان دارد

درون سینه خود زخم بیکران دارد

همان که قامت صبر او از صبوریش خم بود

در اوج قله ماتم شکوه پرچم بود

همان که آینه روشن حقایق بود

همان که همدم هفتاد و دو شقایق بود

هزار خاطره مانده است از اسارت او

همان که از غم هجران شکسته قامت او

چقدر بغض نشسته به روی حنجره‌تان

بلا به دور مگر که چه آمده سرتان

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر».

ان شاءالله در ایام سوگواری و ماتم و عزای حضرت ابا عبدالله الحسین و ایام و لیالی اسارت خاندان اهل بیت

علیهم السلام همه ما بتوانیم از آن حضرات دستگیری کنیم و از این ایام استفاده کنیم.

به رسم شب‌های دوشنبه در محضرتان هستیم و با برنامه «حبل المتین» مهمان دیدگان شما هستیم و این افتخار را داریم که استفاده کنیم از محضر استاد بزرگوار و ارجمند «حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی». سلام علیکم و رحمة الله؛

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی که در هرکجای این کره خاکی بیننده این برنامه هستند یا تکرار برنامه را می‌بینند، خالصانه‌ترین سلام را همراه با آرزوی موفقیت روزافزون خواهانم.

خدا را به آبروی اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) سوگند می‌دهم پاداش ما را در این مصائب جانکاه، فرج موفور السرور مولایمان حضرت بقية الله الأعظم قرار بدهد، ان شاء الله.

مجری:

ان شاء الله با دعای پربرکت شما. حضرت استاد! ما الحمد لله توفیق این را داشتیم که در محضرتان بودیم و راجع به خطبه دوم «نهج البلاغه» فرمودید که نکات زیادی قابل استفاده هست.

حضرتعالی با دقت و ظرافت فرمودید و به ما قول دادید که ان شاء الله چهارده نکته را می‌فرمایید و از محضرتان استفاده می‌کنیم. حال البته فاصله‌ای افتاد و این سیری که داشتیم قدری مختل شد.

به جهت اینکه دوستان و عزیزان بیننده هم در جریان قرار بگیرند، چهار یا پنج نکته را در محضرتان استفاده کردیم و شنیدیم. قبل از اینکه وارد اصل بحث شویم و نکته ششم را بررسی کنیم، اگر مختصری از آن پنج نکته بفرمایید ممنونیم.

بیان خلاصه ای از مطالب جلسه گذشته

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة
على رسول الله و على آله آل الله لاسیما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء
الله

أفوض أمری إلى الله إن الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر ماشاء الله لا حول و لا
قوة إلا بالله یا أبا صالح المهدی ادرکنی

موضوع بحث گذشته ما امامت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در «نهج البلاغه» بود. ما در این خصوص عرض
کردیم که بعضی افراد اعم از وهابیت یا اهل سنت یا بعضی از روشنفکران امروزی به دنبال این هستند که
خلافت امیرالمؤمنین و حکومت سیاسی رسول گرامی اسلام را انتخابی تلقی کنند.

آن‌ها سعی دارند ادعا کنند خلافت و حکومت رسول الله و امیرالمؤمنین در حوزه سیاست مردمی بوده است، نه
الهی!!

بعضی از آقایان ادعا می‌کنند که ولایت دو نوع است؛ ولایت معنوی و ولایت ظاهری و سیاسی. ائمه اطهار
ولایت معنوی دارند ولی ولایت سیاسی ندارند. این افراد به قول معروف از میان صد و بیست و چهار هزار
پیغمبر به سراغ جرجیس پیغمبر رفتند!!

دهها خطبه در «نهج البلاغه» آمده است که امیرالمؤمنین از امامت خود، امامت اهل بیت، غصب خلافت و نقد
عملکرد خلفا صحبت کرده است که ما آنها را به تدریج بیان خواهیم کرد.

این افراد تمامی این خطبه‌ها را کنار گذاشتند و خطبه‌ای مانند خطبه 205 که امیرالمؤمنین در رابطه با «طلحه» و «زبیر» بیان فرمودند را ملاک قرار دادند. اصلاً مشخص است که موضوع بحث خطبه 205 در رابطه با چیست.

این افراد خطبه 205 را ملاک قرار دادند، صدر و ذیل این خطبه را رها کردند و تنها همان قسمت:

«وَاللّٰهُ مَا كَانَتْ لِيْ فِي الْخِلَافَةِ رَغْبَةٌ وَّ لَا فِي الْوَلَايَةِ اِزْبَةٌ»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 322، خ

205

را ملاک قرار داده‌اند. این افراد همچنین خطبه 92 یا خطبه 6 «نهج البلاغه» را ملاک قرار داده‌اند.

امیرالمؤمنین در این خطبه‌ها کاملاً نشان می‌دهد که این خلافت تحمیلی و ولایت تحمیلی و مشروطی است که شما می‌خواهید بر من تحمیل کنید تا به هرآنچه خودتان می‌خواهید من عمل کنم.

حضرت همچنین می‌فرماید که شما می‌خواهید مرا ملتزم کنید که به سنت پیغمبر اکرم و سیره شیخین عمل کنم، اما من چنین خلافتی را نمی‌خواهم.

«دَعُونِيْ وَ التَّمَسُّوا غَيْرِيْ»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 136، خ

92

اگر چنین خلافت و ولایت مشروطی از من می‌خواهید، من نیستم!! اگر من خلافت را قبول کنم به آنچه خودم می‌دانم و بدان علم دارم از قرآن و سنت پیغمبر اکرم عمل می‌کنم. لذا کاملاً مشخص است که موضوع چیست.

سپس عرض شد یکی از خطبه‌هایی که در رابطه با شایستگی اهل بیت برای خلافت و اینکه غیر از آن بزرگواران چنین شایستگی ندارند، مفصل روی آن بحث شده است، خطبه دوم نهج البلاغه است. فرمود:

«هُم مَوْضِعُ سِرِّهِ وَ لَجَأُ أَمْرِهِ وَ عَيْتَةُ عِلْمِهِ وَ مَوْتِلُ حُكْمِهِ وَ كُهُوفُ كُتُبِهِ وَ جِبَالُ دِينِهِ بِهِمْ أَقَامَ انْحِنَاءَ ظَهْرِهِ وَ أَذْهَبَ اِزْتِعَادَ فَرَائِصِهِ وَ مِنْهَا [فِي الْمُنَافِقِينَ] يَغْنِي قَوْمًا آخِرِينَ زَرَعُوا الْفُجُورَ وَ سَقَوْهُ الْعُزُورَ وَ حَصَدُوا التُّبُورَ لَا يُقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ وَ لَا يُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ وَ عِمَادُ الْيَقِينِ إِيْنِهِمْ يَفِيءُ الْعَالِي وَ بِهِمْ يُلْحَقُ التَّالِي وَ لَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ وَ فِيهِمُ الْوَصِيَّةُ وَ الْوِرَاثَةُ الْآنَ إِذْ رَجَعَ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ وَ نُقِلَ إِلَى مُنْتَقَلِهِ»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 47، خ 2

ما گفتیم که در این خطبه امیرالمؤمنین چهارده نکته را گوشزد فرمودند. ویژگی اول «هُم مَوْضِعُ سِرِّهِ» است، به این معنا که اهل بیت محل اسرار خداوند و عالم به غیب هستند.

در بسیاری از موارد امام برای حقانیت خود و هدایت افراد نیاز دارند که از اسرار الهی و علم غیب استفاده کنند تا زمینه هدایت را فراهم کنند یا زمینه شک افراد را برطرف کنند. این ویژگی تنها در خاندان اهل بیت عصمت و طهارت است، نه در کسی دیگر!

ویژگی دوم «وَ لَجَأُ أَمْرِهِ» است به این معنا که اهل بیت پناهگاه فرمان الهی هستند. فرامین و دستورات الهی چه در امر تکوین و چه در امر تشریح توسط اهل بیت به اجرا درمی آید.

«قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَةِ اللَّهِ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 25،

ص 337، ح 16

یا:

«إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ»

ارادت خدا در امور عالم ابتدا به قلب شما نازل می‌شود و از آنجا صادر می‌شود.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 6،

ص 576، ح 2

ائمه اطهار (علیهم السلام) واسطه فیض تکوینی و تشریحی برای تمام خلایق هستند، نه تنها برای انسان‌ها.

سومین ویژگی «وَعَبِيَّةٌ عَلَيْهِ» بود به این معنا که اهل بیت مخزن علم الهی هستند. ما از بزرگان اهل سنت همانند «ابن عباس» و «عبدالله بن مسعود» و دیگران نقل کردیم که رسول اکرم فرمود: اگر علوم دینی صد قسمت شود، نود قسمت از آن، خاص علی و در ده قسمتی که بین دیگران تقسیم شده، باز هم امیرالمؤمنین سهم است.

ویژگی چهارم «وَمَوْئِلٌ حُكْمِهِ» است به این معنا که اهل بیت مرجع احکام الهی هستند. به عنوان مثال مردم سؤال می‌کنند که چرا نماز صبح دو رکعت است یا چرا خمر حرام است یا چرا فلان چیز کراهت دارد. تنها اهل بیت از تمام حکمت‌هایی که خداوند عالم در شریعت قرار داده است آگاه هستند و غیر از آن بزرگواران کسی از آن خبر ندارد.

بعضی افراد از تیمم که قرآن کریم به صراحت فرموده است:

(فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا)

و در این حال آب (برای وضو و غسل) نیابید با خاک پاکی تیمم کنید.

سوره نساء (4): آیه 43

ناآگاه هستند که این موارد قابل مقایسه با آنها نیستند.

اهلبیت (علیهم السلام) جایگاه و مخزن علم و اسرار الهی

ویژگی پنجم «و كهُوفٌ كَثْبَةٌ» است، به این معنا که اهل بیت جایگاه و مخزن حفظ کتاب‌های آسمانی هستند. کتب آسمانی در نزد اهل بیت (علیهم السلام) است و آن بزرگواران به کتب انبیاء بهتر از تمام اتباع انبیاء و حتی خود انبیاء آگاه هستند. ما بی پرده می‌گوییم که واسطه فیض انبیاء الهی (علیهم السلام) نبی گرامی اسلام و اهل بیت (علیهم السلام) بوده است.

شیعه و سنی بر این عقیده هستند. در این زمینه روایتی در کتاب «بصائر الدرجات» اثر مرحوم صفار» متوفای 290 هجری آمده است. امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«لَوْ تَبَيَّنَتْ لِي وَسَادَةٌ لَحَكَمْتُ بَيْنَ أَهْلِ الْقُرْآنِ بِالْقُرْآنِ حَتَّى يَزْهَرَ إِلَى اللَّهِ»

اگر برای من کرسی قضاوت برقرار شود، من میان اهل قرآن به قرآن قضاوت می‌کنم تا حقیقت روشن شود و مردم به طرف خداوند برگردند.

«و لَحَكَمْتُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ حَتَّى يَزْهَرَ إِلَى اللَّهِ»

و با یهودیان به کتاب خودشان قضاوت می‌کنم تا حقیقت روشن شود.

«و لَحَكَمْتُ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ حَتَّى يَزْهَرَ إِلَى اللَّهِ»

و با مسیحیان به کتاب خودشان قضاوت می‌کنم تا حقیقت روشن شود.

«و لَحَكَمْتُ بَيْنَ أَهْلِ الزُّبُورِ بِالزُّبُورِ حَتَّى يَزْهَرَ إِلَى اللَّهِ»

و با اهل زبور به زبور قضاوت می‌کنم تا حقیقت روشن شود.

«وَلَوْ لَا آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَأَنْتَبَهُنَّ بِمَا يَكُونُ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ»

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، نویسنده: صفار، محمد بن حسن، محقق /

مصحح: کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، ج 1، ص 132، ح 1

ما روایات متعددی داریم و یک روایت و دو روایت و سه روایت نیست. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرمایند: اینها هستند که جایگاه حفظ کتاب‌های آسمانی هستند.

اگر قرار باشد ما کسی را داشته باشیم که از کتب آسمانی آگاهی داشته باشند و از جزئیات شرایع گذشته اطلاع داشته باشند، ائمه اطهار (علیهم السلام) هستند و بس!

مجری:

اهلبیت از حضرت عیسی بر انجیل آگاه‌تر هستند و از حضرت موسی بر تورات آگاه‌تر هستند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در این شکی نیست. اصلاً واسطه پیامبران الهی اهل‌بیت (علیهم السلام) بودند. حال نسبت به رسول گرامی اسلام آقایان مفصل مطالبی دارند.

آقای «آلوسی» در کتاب «تفسیر» خود به صراحت می‌گوید: واسطه انبیاء و واسطه تمام موجودات، نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بودند.

این چیزی نیست که ما بخواهیم این مباحث را تنها از خودمان مطرح کنیم. حضرات وهابیون هم به این مسئله اذعان دارند که ائمه اطهار یا نبی گرامی اسلام واسطه تمام فیوضات الهی بودند و در آن هیچ شکی نیست.

مجری:

تشکر می‌کنیم که به اختصار مطالب را بیان فرمودید. گاهی اوقات بحث اینطور پیش می‌رود که حضرتعالی قصدتان این هست که تمام و کمال مطلب ادا شود و ممکن است قدری بحث طولانی شود.

استاد لطف فرمودند و به احترام بینندگان عزیز این پنج مطلب را که تا اینجا در جلسات گذشته مطرح شده بود، بازهم مختصر و صد البته شیوا بیان کردند.

الحمدلله از محضر استاد استفاده کردیم تا به ویژگی «**وَ كُهُوفٌ كَتَبَهُ**» رسیدیم. ان شاءالله مابقی ویژگی‌ها را تا تکمیل چهارده ویژگی به سمع و نظر همه شما بینندگان عزیز می‌رسانیم. یک میان برنامه ببینیم و ان شاءالله در خدمتتان خواهیم بود.

ان شاءالله که بتوانیم راه «حجر بن عدی‌ها» و تمام افرادی که در این مسیر قدم برداشتند تا نهضت حسینی زنده بماند را ادامه دهیم.

ان شاءالله ادامه دهنده راهشان باشیم و هرچه زودتر هم این موانع برطرف شود و توفیق زیارت عتبات عالیات و زیارت مرقد مطهر حضرت ابا عبدالله الحسین را نصیب حال همه ما بفرماید.

حضرت استاد از محضرتان در رابطه با ویژگی «**وَ كُهُوفٌ كَتَبَهُ**» استفاده می‌کردیم و این اذعانی که علمای اهل سنت داشتند نسبت به اینکه اهل بیت واسطه فیض هستند.

پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) واسطه مطلق عالم هستی

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با اینکه اهل بیت (علیهم السلام) واسطه فیض هستند، آقای «آلوسی» می‌نویسند:

«فكل من عبد من دون الله تعالى من عيسى وعزير والملائكة عليهم السلام وسيلتهم إلى الله تعالى
نبينا»

تمام کسانی که مورد عبادت قرار گرفتند اعم از عیسی و عزیر و ملائکه (علیهم السلام) پیغمبر اکرم را
وسیله بین خود و خدا قرار دادند.

عده‌ای می‌گفتند خدای ما اینها هستند، حال آنکه اینها نه تنها خدا نیستند بلکه اگر بخواهند به خداوند برسند
واسطه‌شان نبی گرامی اسلام است.

«بل هو عليه الصلاة والسلام وسيلة سائر الموجودات والواسطة بينهم وبين الله تعالى في إفاضته
سبحانه الوجود»

تمام موجودات اگر بخواهند لباس وجود به تن کنند، واسطه‌شان بین خود و خداوند متعال، نبی گرامی
اسلام است.

«وكان نبينا آدم بين الماء والطين»

نبی گرامی اسلام پیغمبر الهی بودند، در حالی که گِل حضرت آدم هنوز برای خلقت آماده نشده بود.

«وقد تلقى الأنبياء منه من وراء حجاب الأرحام والأصلاب»

تمام انبیاء الهی در صلب پدرانشان و رحم مادرانشان به نبی گرامی اسلام توسل می‌کردند.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين
السيد محمود الأوسى البغدادي، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج 15، ص 126، باب
الإسراء: (72) ومن كان في... ..

ما روایات زیادی هم داریم که می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَدَّبَ نَبِيَّهُ عَلَى مَحَبَّتِهِ فَقَالَ وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ- مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ قَالَ ثُمَّ قَالَ وَ إِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ فَوَّضَ إِلَيَّ عَلِيٌّ»

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1، ص 265، ح 1

طبق این روایت تمام آنچه که خداوند به نبی گرامی اسلام داده است، به «علی بن ابی طالب» هم داده است، غیر از بحث نبوت. همانطور که پیغمبر در حدیث منزلت می‌فرماید:

«أنت مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1870، باب من فضائل علي بن أبي طالب؛ ح 2404

نسبت به سایر ائمه (علیهم السلام) هم داریم:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَدَّبَ رَسُولَهُ حَتَّى قَوْمَهُ عَلَى مَا أَرَادَ ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ ذِكْرُهُ مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا فَمَا فَوَّضَ اللَّهُ إِلَيَّ رَسُولِهِ فَقَدْ فَوَّضَهُ إِلَيْنَا.»

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1، ص 268، ح 9

هرآنچه به پیامبر اسلام و امیرالمؤمنین در اراده تکوین و تشریح و وساطت در فیض، تفویض شده است، به اهلبیت (علیهم السلام) اعطا شده است. این قضیه خیلی واضح و روشن است.

البته تنها «آلوسی» نیست که چنین عقیده‌ای دارد، بلکه علمای دیگری هم هستند که بر همین عقیده‌اند. مثلاً در کتاب «الدر المنتور» در خصوص حضرت آدم نقل شده است که وقتی از بهشت بیرون می‌آید به خمسه طویه متوسل می‌شود و می‌فرماید:

«سأل بحق محمد وعلى وفاطمة والحسن والحسين ألا تبت على فتاب عليه»

الدر المنتور، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1993، ج 1، ص 147، باب البقرة: (37) فتلقى آدم من... ..

این یک مورد یا دو مورد نیست. «ابن تیمیه حرانی» هم در کتاب «مجموع الفتاوی» جلد 2 صفحه 95 اذعان دارد به اینکه حضرت آدم برای بخشش گناهان به رسول گرامی اسلام متوسل شده است.

حال او به جهت عنادی که با اهل بیت دارد، اسم امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین را حذف می‌کند. البته غیر از این هم انتظاری از ایشان نیست.

در هر صورت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در این خطبه دوم نهج البلاغه می‌فرماید ائمه اطهار (علیهم السلام) واسطه فیض هستند و کتب آسمانی در اختیار آن بزرگواران است.

حضرتعالی هم اشاره کردید که اگر انبیاء الهی خود بخواهند این کتب را از خداوند عالم بگیرند، واسطه‌شان نبی گرامی اسلام و ائمه اطهار است. در این قضیه هیچ شک و شبهه‌ای نیست و غلو هم نیست، شیعه و اهل سنت بر این قضیه اتفاق نظر دارند.

ما قبلاً هم آوردیم که «ابن تیمیه» خود می‌گوید: اولیاء و اوتاد، واسطه فیض خداوند بر خلائق هستند.

کدام ولی و اوتادی اقرب الی الله از حضرت محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) هستند؟! آقایان چه کسی را در طول تاریخ هزار و چهارصد سال می‌شناسند که در پاکی و صداقت و دیانت و علم و فضیلت به پای اهل بیت عصمت و طهارت برسد؟!

خلفای بنی عباس و بنی امیه تمام تلاش خود را به کار بردند که نقطه ضعفی از ائمه اطهار پیدا کنند و به توسط آن نقطه ضعف اهل بیت را در جامعه زیر سؤال ببرند، اما نتوانستند. دشمنان هرکاری کردند تا نقطه ضعفی پیدا کنند، قضیه برعکس شد!!

مشاهده کنید وقتی امام رضا (علیه السلام) به ایران می‌آیند، «مأمون» با هزاران لطایف الحیل می‌خواهد امام رضا را تحت الشعاع قرار بدهد. او با علمای مسیحی و علمای یهود و علمای اهل سنت مناظره می‌گذارد، اما می‌بیند در هر مناظره امام رضا (سلام الله علیه) برتری دارد و دیگران اعتراف به شکست می‌کنند و وضع بدتر می‌شود.

همچنین در ماجرای امام هادی مشاهده کنید «متوکل» به دنبال این است که حضرت را به نوعی تحقیر کند. او مسابقه تیراندازی به راه می‌اندازد تا ثابت کند که ائمه اطهار حتی تیراندازی هم بلد نیستند. حضرت هرچه می‌خواهند از این کار صرف‌نظر کنند، «متوکل» قبول نمی‌کند.

حضرت تیر را به دست می‌گیرد. تیر اول را به هدف می‌زند، تیر دوم وسط تیر اول می‌خورد، تیر سوم وسط تیر دوم می‌خورد. حضرت ده، دوازده تیر می‌زند به طوری که تمام تیرها به نقطه اصلی می‌خورد، طوری که هر تیر پشت تیر قبلی می‌نشیند و همه مبهوت می‌مانند.

مشاهده کنید در طول این دویست و پنجاه سال دوران امامت ائمه اطهار (علیهم السلام) چقدر تلاش کردند آن بزرگواران را تحقیر کنند و از آنها نقطه ضعف پیدا کنند.

اگر مردم با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بیعت می‌کردند چه می‌شد!؟

«ذهبی» و دیگران وقتی به ائمه اطهار می‌رسند، بدون هیچ بغضی از فضیلت و علم و تقوا و ورع و زهد و شجاعت و صلاحیت آن بزرگواران برای خلافت مطالبی بیان می‌کنند.

وقتی چنین افرادی هستند، آیا انسان عاقلی پیدا می‌شود که چنین فردی را کنار بگذارد و به سراغ فرد دیگری برود؟!

به عنوان مثال ما می‌خواهیم برای منطقه یا روستایی دهیار معین کنیم. کسی که آگاه هست و تسلط و تقوا دارد را به عنوان دهیار آن منطقه معین می‌کنیم.

ما نمی‌خواهیم بگوییم برای یک شهر یا استان یا کشور شخصی را معین کنیم. ما فقط می‌خواهیم برای یک روستا دهیار معین کنیم. برای معین کردن دهیار مردم به سراغ چه کسی می‌روند؟!

مردم آگاه‌ترین، فاضل‌ترین و متدین‌ترین شخص را انتخاب می‌کنند تا مشکلات مردم را حل کند ولو برای کار و زندگی دنیوی باشد. حال چه رسد به اینکه این مسائل مربوط به مسائل دینی و اخروی باشد.

این قضایا کاملاً نشانگر این است که ائمه اطهار (علیهم السلام) تنها کسانی بودند که شایسته این امر بودند و در این زمینه اطلاع کامل داشتند.

رسول گرامی اسلام خود بارها و بارها بیان فرموده بودند که اگر امیرالمؤمنین را به عنوان خلیفه معین کنند هم دنیای آنها آباد است، هم دینشان آباد است و هم آخرتشان آباد است.

به نظر عزیزان این قسمت را خوب دقت کنند و ببینند عبارتهایی که آقایان اهل سنت آورده‌اند، به چه معناست. در کتاب «أنساب الاشراف» اثر «بلاذری» جلد اول صفحه 255 از قول «سلمان فارسی» روایتی نقل شده است که می‌گوید:

«لو بايعوا علياً لأكلوا من فوقهم ومن تحت أرجلهم»

اگر به سراغ علی می‌رفتند، نعمت‌های الهی از بالای سر و زیر پایشان برایشان می‌جوشید.

أنساب الأشراف، اسم المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري (المتوفى: 279 هـ)، ج 1، ص 255،

باب أمر السقيفة

یعنی برایشان بهشت برین می‌شد. همچنین حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) در خطبه‌ای که فرمود، اشاره کرد به اینکه اگر علی بن ابی طالب را خلیفه می‌کردند تمام آنچه که نعمت‌های الهی باید برای آنها انجام شود، انجام می‌شد.

«و يا لله لو تكافئوا على زمام نبذه رسول الله ص لسار بهم سيرا سجحا لا يكلم خشاشه»

تا جایی که می‌فرماید:

«و لفتحت عليهم بركات من السماء»

كتاب بلاغات النساء؛ تأليف: أبي الفضل بن أبي طاهر المعروف بابن طيفور، المتوفى سنة 380 هـ

منشورات، مكتبة بصيرتي، قم - شارع ارم، ص 20، باب كلام فاطمة بنت رسول الله ص

اگر این افراد دنیا را هم می‌خواستند، باید به سراغ امیرالمؤمنین می‌رفتند. آنها اگر آخرت هم می‌خواستند باید به سراغ حضرت می‌رفتند. در کتاب «مصنف عبدالرزاق» جلد 11 صفحه 318 حدیث 20646 آمده است:

«أما والذي نفسي بيده، لئن أطاعوه ليدخلن الجنة أجمعين أكتعين»

قسم به خدایی که جان من در قبضه قدرت اوست اگر از علی اطاعت کنند، همگی دست جمع وارد بهشت می‌شوند.

المصنف، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت -

1403، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، ج 11، ص 318، ح 20646

پیغمبر اکرم می‌فرماید که اگر دنیا می‌خواهید به سراغ علی بروید، اگر آخرت می‌خواهید به سراغ علی بروید. حضرت دیگر به چه عبارتی بخواهند مسائل را برای آنها مطرح کنند که آنها نتوانند انکار کنند؟!

این قضایا کاملاً واضح و روشن است که می‌فرماید: اگر علی بن ابی طالب را قبول کنند، آن بزرگوار تنها کسی است که زمینه ساز عمل به کتاب و سنت است. اگر امیرالمؤمنین را خلیفه و ولی امر خود قرار دهید،

«وإن تفعلوا تجدوه هادیا مهدیا یسلک بکم الطریق المستقیم»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر:

دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج

3، ص 74، ح 4435

تنها کسی که می‌تواند شما را به صراط مستقیم برساند «علی بن ابی طالب» است. اگر دین می‌خواهید به سراغ علی بروید. اگر دنیا می‌خواهید به سراغ علی بروید. اگر آخرت می‌خواهید به سراغ علی بروید.

روایاتی که در رابطه با حکومت جهانی حضرت ولی عصر آمده است را ملاحظه کنید. روایاتی که اهل سنت آن را نقل کردند مطالعه کنید.

وقتی حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) این خلافت غصب شده را به دست می‌گیرد و حکومت جهانی تشکیل می‌دهد، جدا از مسائل دینی و آخرتی مردم، مشاهده کنید وضعیت دنیایی مردم را به کجا می‌رساند.

در این روایات آمده است که اگر کسی بخواهد صدقه بدهد تمام شهرها را می‌گردد، اما نمی‌تواند یک فقیر پیدا کند که به او صدقه بدهد. ائمه اطهار چنین بودند، اما متأسفانه آن بزرگواران را کنار گذاشتند.

مجری:

الحمد لله از محضران بسیار استفاده بردیم. بینندگان خردمند و ارجمند هم خودشان این برنامه را می‌بینند و مستحضر هستند که حضرت استاد در رابطه با ویژگی «و کُهوف کُتبه» این مطالب را بیان فرمودند.

این مطالب صرفاً در این جنبه بیان شد که تفسیر این عبارت بود، اما در ضمن آن تمامی بینندگان متوجه هستند و از تماس‌هایی هم که می‌گیرند مشخص است که دقت دارند در ضمن این مطالب شبهه «توسل» پاسخ داده شد.

علاوه بر این، شبهه اعلامیت پاسخ داده شد و در خصوص اینکه چه کسی احق و چه کسی اصلح است در ضمن این ویژگی پاسخ داده شد.

الحمد لله تمامی شما بینندگان مستحضر هستید و با تماس‌هایتان هم به ما می‌رسانید که گاهی اوقات مناظره کردیم و گاهی اوقات فرصتی پیش آمده است که آنها را در مقابل وهابی‌ها مطرح کردیم.

از طریق تلفن‌هایی که زیرنویس شده است، همیشه این فرصت برای شما مهیا هست که تماس بگیرید و دغدغه‌هایتان و اگر سؤال یا مطلبی بود منتقل بفرمایید. ما هم خوشحال می‌شویم صدایتان را بشنویم.

سلام مجدد عرض می‌کنم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبهه جهانی حضرت ولی عصر» و امیدوارم که تا این لحظه که همراه برنامه بودید استفاده کرده باشید و ان شاء الله بتوانیم در مسیر اهل بیت قدم برداریم.

حضرت استاد بسیار بهره مند شدیم. تا اینجا رسیدیم به نکته پنجم از این چهارده نکته و پنجمین مورد «و

کُهوف کُتبه» بود. حال ششمین نکته چیست؟!

اهلبیت (علیهم السلام) کوه های استوار دین، برای جلوگیری از انحراف دین

آیت الله دکنر حسینی قزوینی:

ویژگی ششم که امیرالمؤمنین از ویژگی‌های منحصر به فرد اهلبیت می‌شمارد، «وَجِبَالٌ دִیْنِه» است به این معنا که اهلبیت کوه‌های استوار دین خداوند هستند.

حال چرا حضرت، اهلبیت را به کوه استوار دین تشبیه کرده است؟! اگر ما به قرآن کریم مراجعه کنیم، خداوند متعال در سوره انبیاء آیه 31 می‌فرماید:

(وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تَمِيدَ بِهَم)

و در زمین کوه‌های ثابت و پابرجایی قرار دادیم تا آنها در آرامش باشند.

سوره انبیاء (21): آیه 31

علم روز هم ثابت کرده است که کوه‌ها همانند میخ‌هایی هستند که زمین را استوار ساخته‌اند. مشاهده کنید دو سوم روی زمین آب است. اگر کوه‌ها نباشند، اصلاً آب تمامی کره زمین را فرا می‌گیرد و دیگر زمین قابل زندگی نیست.

این کوه‌ها هستند که مثل میخ از لرزش زمین جلوگیری می‌کنند. همانطور که قرآن کریم می‌فرماید:

(وَالْجِبَالِ أَوْتَاداً)

و کوه‌ها را میخ‌های زمین؟

سوره نبأ (78): آیه 7

«مرحوم طباطبایی» در «تفسیر المیزان» جلد 12 صفحه 217 و در ترجمه آن جلد 12 صفحه 319 می‌نویسد:

«طرح علی الأرض جبلا ثوابت لئلا تضطرب و تمیل یمینا و شمالا»

خداوند عالم کوه‌ها را در زمین قرار داده تا زمین به راست و چپ نلرزد.

«فیختل بذلک نظام معاشکم»

تا نظام زندگی شما به هم نریزد.

المیزان فی تفسیر القرآن، نویسنده: طباطبایی، سید محمد حسین، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی

جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، 1417ق؛ ج 12، ص 217

ائمہ اطہار (علیہم السلام) هم، نسبت به دین اینچنین هستند. آن بزرگواران کوه‌های استوار دین هستند که نگذارند این دین به راست و چپ و جلو و عقب برود.

در کتاب‌های شیعه روایاتی از این قبیل داریم. عزیزان ابتدا این روایت را ببینند، سپس برای تکمیل فرمایش امیرالمؤمنین به کتب اهل سنت می‌رسیم. در کتاب «کافی» جلد اول صفحه 32 وارد شده است که امام صادق می‌فرماید:

«فَإِنَّ فِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي كُلِّ خَلْفٍ عُدُوًّا يَنْفُونَ عَنْهُ تَحْرِيفَ الْعَالِيْنَ»

از ما اهل بیت در هر نسلی یک سری مردان عادل هستند که جلوی تحریف غلو کنندگان و زیاده‌روان را می‌گیرند.

«وَ اتَّخَالَ الْمُبْطِلِينَ»

و جلوی باطل‌گویان را می‌گیرند.

«وَ تَأْوِيلَ الْجَاهِلِينَ»

و جلوی تفسیر کنندگان غلط دین را می‌گیرند.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1،

ص 32، ج 2

طبق این روایت اهل بیت جلوی کسانی که می‌خواهند دین را به نادرستی تأویل کنند و آیات و احادیث نبی گرامی اسلام را به دلخواه تفسیر کنند را می‌گیرند.

همین تعبیر در کتب اهل سنت آمده است. «طبری دوم» صاحب کتاب «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» مطلبی در این زمینه نقل کرده است.

گفتنی است «طبری اول» متوفای 310 هجری و «طبری دوم» متوفای 694 هجری است. ایشان در این کتاب از قول نبی گرامی اسلام می‌نویسد:

«فی کل خلوق من أمتی عدول من أهل بیتی ینفون عن هذا الدین تحریف الغالین و إنتحال المبطلین
وتأویل الجاهلین»

در هر نسلی افراد عدولی از اهل بیت من هستند که تحریف غلوگران و کج اندیشه باطل گویان و تفسیر نادانان را می‌گیرند.

«ألا وأن أئمتکم وفدکم إلى الله عز وجل»

پیشوایان شما در حقیقت سرمنشأ حرکت شما به طرف خداوند هستند.

«فانظروا بمن توفدون أخرجہ الملا»

ببینید چه کسی را می‌خواهید قافله سالار کنید تا شما را به خدا برساند.

ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، اسم المؤلف: محب الدین أحمد بن عبد الله الطبری، دار النشر: دار

الکتب المصرية - مصر، ج 1، ص 17، باب ذکر أخباره

جالب اینجاست که «ابن تیمیه حرانی» هم در کتاب «مجموع الفتاوی» جلد پانزدهم صفحه 298 می‌گوید:

«قال النبی فیهم یحمل هذا العلم من کل خلف عدوله ینفون عنه تحریف الغالین و انتحال المبطلین

وتأویل جاهلین»

پیغمبر اکرم فرمود: در هر خلفی افراد عادل و وجود دارند که جلوی تحریف غلوگران و انتحال مبطلین و

تأویل جاهلین را می‌گیرد.

کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة، اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تیمیة الحرانی أبو

العباس، دار النشر: مكتبة ابن تیمیة، الطبعة: الثانية، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی

النجدی، ج 15، ص 298، باب وسئل شیخ الإسلام رحمه الله عن أحادیث یرویها القصاص و غیرهم

بالطرق و غیرها عن النبی

مشاهده کنید این روایت که از «عمر بن خطاب» نقل شده است، «عدولا من أهل بیتی» بود که به «عدوله»

تغییر یافته است و این «ابن تیمیه» کلمه «أهل بیتی» را حذف می‌کند. ایشان آدرس هم نداد که ببینیم آدرس

این روایت کجاست.

بنابراین ما در کتاب‌های شیعه و همچنین کتاب‌های اهل سنت مشاهده می‌کنیم که این عبارت زیاد هست که

رسول اکرم فرمود:

«وَاللَّهِ لَئِنْ خَالَفْتُمْ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ لَتُخَالِفُنَّ الْحَقَّ»

اگر با اهلیت پیغمبر اکرم مخالفت کنید، با حق مخالفت کردید.

اهلبیت حق هستند و حق هم با اهلبیت است. اهلبیت با قرآن هستند و قرآن هم با اهلبیت است.

«الْحَقُّ مِنْ بَعْدِي مَعَ عَلِيٍّ وَعَلَى مَعَ الْحَقِّ يَدْوُرُ الْحَقُّ مَعَهُ حَيْثُمَا دَارَ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 31،

ص 376، ح 24

9:

«على مع القرآن والقرآن مع على لن يتفرقا حتى يردا على الحوض»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر:

دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج

3، ص 134، ح 4628

این عبارتی است که رسول گرامی اسلام فرمود:

«لَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَضَلُّوا»

از اهلبیت جلو نیفتید که گمراه می شوید.

«وَلَا تُخَالِفُوهُمْ فَتَجْهَلُوا»

با اهلبیت مخالفت نکنید که گرفتار جهل و نادانی می شوید.

«وَلَا تَخْلِفُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا»

با اهلبیت مخالفت نکنید که هلاک می شوید.

«وَلَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ كِبَارًا»

به اهلیت چیزی یاد ندهید، زیرا چه بزرگ باشند و چه کوچک باشند از همه شما عالم‌تر هستند.

المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب علیه السلام، نویسنده: طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن

رستم، محقق / مصحح: محمودی، احمد، ص 400، ح 133

این تعبیر با کمی تفاوت در منابع اهل سنت نیز آمده است:

«فَانظُرُوا كَيْفَ تُخْلِفُونِي فِي الثَّقَلَيْنِ .. كِتَابِ اللَّهِ .. وَالْآخِرَ عِزَّتِي.. فَلَا تَقْدُمُوهُمَا فَتَهْلِكُوا وَلَا تَقْضُرُوا
عَنهُمَا فَتَهْلِكُوا وَلَا تَعْلَمُوهُمَ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ»

المعجم الكبیر، اسم المؤلف: سلیمان بن أحمد بن آیوب أبو القاسم الطبرانی، دار النشر: مكتبة الزهراء -

الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقیق: حمدي بن عبدالمجید السلفی، ج 5، ص 166، ح

4971

امام جواد حدود پنج سال داشت، اما «مأمون» تعجب می‌کند که چطور ممکن است این کودک خردسال امام

شود. حضرت در پاسخ به تعجب آنها فرمود مگر حضرت عیسی طفلی چند ساعته نبود که فرمود:

(قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا)

(ناگهان عیسی زبان به سخن گشود) گفت من بنده خدایم به من کتاب (آسمانی) داده و مرا پیامبر قرار

داده است.

(وَ جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا)

و مرا وجودی پر برکت قرار داده در هر کجا باشم، و مرا توصیه به نماز و زکات ما دام که زنده‌ام کرده

است.

سوره مریم (19): آیات 30 و 31

همان خداوندی که به حضرت عیسی در گهواره که چند ساعت از نبوتش نگذشته نبوت را کرم می‌کند، به ما اهل بیت هم امامت را کرم می‌کند.

همچنین نقل شده است کسی خدمت امام جواد (علیه السلام) می‌رسد و عرضه می‌دارد: یا بن رسول الله! شنیدیم شما به تمام علوم آسمان و زمین و تمام بهشت و جهنم آگاه هستید. بهشتیان را می‌شناسید و جهنمیان را می‌شناسید.

حضرت در جواب فرمود: آیا خداوند قدرت دارد که این علم را به پشهای بدهد یا خیر؟! شخص معطل ماند که اگر بگوید نه، قدرت خدا را انکار کرده است. او گفت: بله، خداوند قدرت دارد. حضرت فرمود: من نزد خدا از یک پشه گرامی‌تر و عزیزتر هستم!!

این ویژگی ششم بود که خدمت شما عرض کردم. بنده ویژگی هفتم را هم بیان کنم، سپس به سؤالات بینندگان عزیز پاسخ خواهیم داد.

برادران اهل سنت، اینجا را خوب و با دقت بخوانند!!

ویژگی هفتم «بِهِمْ أَقَامَ أَنْجَاءَ ظَهْرِهِ» است به این معنا که خداوند به وسیله اهل بیت پشت خمیده دین را راست خواهد کرد.

این جمله، جمله بسیار سنگینی است. بنده از بینندگان عزیز تقاضا دارم به این جمله خوب دقت کنند.

کسانی تلاش می‌کنند پشت دین را خمیده کنند، پشت دین را بشکنند و دین پیغمبر اکرم را نابود کنند. ائمه اطهار هستند که پشت دین را استوار می‌کنند و دوباره دین را به آن قامت رسای خود می‌رسانند.

عزیزان دقت کنند که شاید این روایت را چند شب قبل هم گفتیم، اما به این نیت نگفتیم. در کتاب «صحیح بخاری» حدیث 506 وارد شده است که «أنس بن مالک» می‌گوید:

«ما أَعْرِفُ شَيْئًا مِمَّا كَانَ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ»

با روی کار آمدن خلفا چیزی که در زمان پیغمبر اکرم از اسلام بود را نمی‌شناسم.

«قِيلَ الصَّلَاةُ»

راوی گفت: مردم نماز می‌خوانند.

«قَالَ أَلَيْسَ ضَيَعْتُمْ مَا ضَيَعْتُمْ فِيهَا»

أنس گفت: آیا در نماز امور زیادی را تزییع نکردید؟!

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 1، ص

197، ح 506

مشاهده کنید نماز زمان پیغمبر اکرم چطور بود؟! وضو چطور بود؟! این که حدیث نیست. پیغمبر اکرم بیست و سه سال جلوی مردم وضو گرفتند، به طوری که صحابه قطرات وضوی پیغمبر اکرم را به عنوان تبرک برمی‌داشتند.

آیا زمانی که پیغمبر اکرم وضو می‌گرفت، دستش را از آرنج به پایین می‌شست یا از مچ دست به بالا می‌شست؟! آیا پیغمبر اکرم سرش را تنها مسح می‌کشید یا تمامی سر را می‌شست؟! آیا حضرت پایش را می‌شست یا مسح می‌کشید؟!

مشاهده کنید در کتاب «صحيح بخاري» حدیث 60 وارد شده است که «عبدالله بن عمر» می‌گوید:

«وَنَحْنُ نَتَوَضَّأُ فَجَعَلْنَا نَمْسُحُ عَلَى أَرْجُلِنَا»

ما زمان پیغمبر اکرم نماز می‌خواندیم و بر پاهایمان مسح می‌کشیدیم.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 1، ص 33، ح 60

از این واضح‌تر و روشن‌تر؟! آیا زمانی که پیغمبر اکرم نماز می‌خواند، بسم الله می‌گفت یا نمی‌گفت؟! کسانی که در مکه مسلمان شده بودند، سیزده سال نماز پیغمبر اکرم را دیدند. همچنین مردم مدینه دوازده سال نماز حضرت را دیدند. این چیزی نیست که ما ادعا کنیم حدیث است.

رسول گرامی اسلام بیست و سه سال جلوی مردم نماز می‌خواند و وضو می‌گرفت. آیا حضرت در نماز «آمین» می‌گفت؟! آیا حضرت بعد از حمد، سوره مستقل می‌خواند یا یک آیه می‌خواند؟!

آیا حضرت موقع سلام دادن، ابتدا سلام می‌داد و بعد تشهد می‌خواند یا ابتدا تشهد می‌خواند و بعد سلام می‌داد؟!

بنده از عزیزان تقاضا دارم اگر فرصتی پیدا شد، در خصوص وضوی زمان پیغمبر اکرم بحث کنیم. البته بنده بیش از یک سال از بحث خارج فقه خود را به بحث «مسح رجليں در وضو» اختصاص دادم.

باید بحث کنیم و ببینیم که پیغمبر اکرم چطور وضو می‌گرفت. امیرالمؤمنین چطور وضو می‌گرفت. ابوبکر و عمر و «أنس» و «ابوهریره» و «عكرمه» و «ابن عباس» و دیگر صحابه چطور وضو می‌گرفتند.

ما که این مطالب را از کتب خودمان بیان نمی‌کنیم، بلکه از کتاب‌های خود شما مطرح می‌کنیم. حال بعضی از اهل سنت ادعا می‌کنند که ما پشت سر شیعه نماز نمی‌خوانیم، زیرا موقع وضو گرفتن پاهایشان را نمی‌شویند!!

ولی ما طبق دستور ائمه اطهار پشت سر اهل سنت نماز می‌خوانیم، با وجود آنکه یقین داریم این نماز باطل است!! اگر کسی وضو بگیرد، اما مسح نکند و پایش را بشوید ما این وضو را باطل می‌دانیم. اگر کسی نماز بخواند و بسم الله نگوید، نماز او باطل است.

ائمه اطهار (علیهم السلام) برای ایجاد الفت میان شیعه و سنی و ایجاد وحدت میان شیعه و سنی فرمودند:

«مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ»

اگر کسی در مسجد اهل سنت پشت سر آنها نماز بخواند، همانند این است که پشت سر رسول الله نماز خوانده است.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 3، ص 380، ح 6

این راهکار اهل بیت برای ایجاد الفت و وحدت و ایجاد صفا و صمیمیت میان شیعه و اهل سنت است. ما از علمای بزرگوار اهل سنت تقاضا داریم قدری از این شعارها کناره گیری کنند و اوضاع را بررسی کنند.

ما در «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» حاضریم هرکدام از علمای بزرگواری که آمادگی داشته باشند، دعوت کنیم و قدمشان را روی چشم ما بگذارند.

ما از آنها پذیرایی می‌کنیم و هزینه رفت و برگشتشان را هم تقبل می‌کنیم و درخواست داریم که بیایند چندین جلسه فرمایشات را در رابطه با نماز و وضو مطرح کنند و ما هم نظرات خود را می‌گوییم.

ما با علمای اهل سنت دعوا نداریم، زیرا بحث علمی که دعوا ندارد. مردم مباحث دو طرف را بشنوند و قضاوت کنند. ما قول می‌دهیم از کتب شیعه هیچ مطلبی را نقل نکنیم و همه مطالب را از کتب عزیزان اهل سنت نقل کنیم.

«شهاب الدین زهری» متوفای 124 هجری که از بنیانگذاران بنی امیه بود، می‌گوید: من در دمشق بر «أنس بن مالک» وارد شدم و دیدم دارد گریه می‌کند. وقتی از او علت گریه‌اش را پرسیدم، گفت:

«لَا أَعْرِفُ شَيْئًا مِمَّا أَدْرَكْتُ إِلَّا هَذِهِ الصَّلَاةَ وَهَذِهِ الصَّلَاةُ قَدْ ضُيِعَتْ»

از شریعت پیغمبر غیر از نماز چیزی باقی نمانده و این نماز هم ضایع شده است.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 1، ص 198، ح 507

«ابو درداء» متوفای 33 هجری و صحابی پیغمبر اکرم است و در زمان امیرالمؤمنین از دنیا رفته است. او امیرالمؤمنین و سه خلیفه را درک کرده است. در روایتی از او نقل شده است:

«سَمِعْتُ أُمَّ الدَّرْدَاءِ تَقُولُ دَخَلَ عَلَيَّ أَبُو الدَّرْدَاءِ وَهُوَ مُغْضَبٌ»

از ام‌درداء شنیدم که می‌گوید: بر ابو درداء وارد شدم و دیدم بسیار غضبناک است.

«فَقُلْتُ مَا أَغْضَبَكَ»

به او گفتم: چرا غضبناک هستی؟

«فَقَالَ وَاللَّهِ مَا أَعْرِفُ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ شَيْئًا إِلَّا أَنَّهُمْ يَضُّوْنَ جَمِيعًا»

او گفت: به خدا سوگند از امت محمد نشانه‌ای از شریعت پیغمبر نمی‌بینم، مگر اینکه دسته جمعی نماز می‌خوانند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى الجعفى، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 1، ص 232، ح 622

همچنین «امام شافعى» رهبر شافعىها متوفای 204 هجرى کتابى به نام «الأم» دارد که یکی از کتابهای معتبر اهل سنت است. ایشان از قول «وهب بن کيسان» نقل می‌کند و می‌گوید:

«رَأَيْتُ بِنَ الرَّبْرِ بِنْدًا بِالصَّلَاةِ قَبْلَ الْخُطْبَةِ»

دیدم عبدالله بن زبير قبل از خطبه نماز جمعه می‌خواند.

معمولاً در نماز جمعه ابتدا خطبه می‌خوانند، سپس نماز می‌خوانند.

«ثُمَّ قَالَ كُلُّ سَنَةٍ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَدْ غُيِّرَتْ حَتَّى الصَّلَاةِ»

سپس می‌گوید: تمام سنت‌های پیغمبر اکرم دستخوش تغییر شد، حتی نماز.

الأم، اسم المؤلف: محمد بن إدريس الشافعي أبو عبد الله، دار النشر: دار المعرفة - بيروت - 1393، الطبعة: الثانية، ج 1، ص 235

وقتی وضع به این شکل شد، زمام دین را از دست دادند و کمر دین را شکستند. از طرف دیگر در کتاب «معجم الكبير» اثر «طبرانی» آمده است که حضرت سیدالشهدا می‌فرماید:

«أَلَا تَرَوْنَ الْحَقَّ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَالْبَاطِلَ لَا يَتَنَاهَى عَنْهُ»

نمی‌بینید که در این جامعه به حق عمل نمی‌شود و از باطل اجتناب نمی‌شود.

«لِيَزْعَبِ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ»

حضرت سپس می‌فرماید:

«وَأِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بُزْمًا»

مرگ و شهادت در برابر استبداد سعادت و زندگی در زیر بار ظلم ننگ است.

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج 3، ص 114، ح 2842

مشاهده کنید دلیل قیام امام حسین این بود. همچنین آقای «خوارزمی» در کتاب «مقتل الحسين» جلد 1 صفحه 4 می‌نویسد که امام حسین فرمود:

« إن كان دين محمد لم يستقم إلا بقتلي إلا بقتلي فيا سيوف خذيني»

اگر دین محمد جز با شهادت من استوار نمی‌ماند، شمشیرها مرا دریا بید.

مقتل الحسين عليه السلام؛ تأليف: اخطب خوارزم، موفق بن احمد - سماوی، محمد؛ الناشر: انوار الهدی، چاپ دوم، سنة 1381 ش - 1423 ق؛ ج 1، ص 4

حضرت به صراحت فرمود: خون مرا بریزید تا دین اسلام استوار شود و قد خمیده اسلام به حالت قبل خود برگردد.

لذا قضیه عاشورای امام حسین قیامت و غوغایی در دل مردم به پا کرد که این غوغا هم حکومت نحس بنی امیه را ساقط و مفتضح کرد و همگان متوجه شدند که این افراد برای نابودی دین کمر همت بستند.

امسال هم مشاهده می‌کنید که همگان آرزو داشتند در اربعین امام حسین شرکت کنند، اما نشد. ما همه باید در خانه‌های خودمان حدیث غربت بخوانیم و زیارت اربعین امام حسین را بخوانیم و اظهار ارادت کنیم یا بالای پشت بام به حضرت سلام دهیم.

بنده بارها گفتم امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: هرکسی بالای پشت بام خانه‌اش برود به راست نگاه کند، به چپ نگاه کند، بالای سرش را نگاه کند و رو به حرم امام حسین این دو جمله را بگوید: «السلام علیک یا ابا عبدالله السلام علیک و رحمة الله و برکاته» خداوند عالم ثواب زیارت امام حسین در کربلا را به او کرم می‌کند:

«قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ فَرَاسِخٌ كَثِيرَةٌ فَقَالَ لِي اضْعُدْ فَوْقَ سَطْحِكَ ثُمَّ تَلْتَفِتْ يَمَنَةً وَ يَسْرَةً ثُمَّ تَرْفَعْ رَأْسَكَ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ انْحُ نَحْوَ الْقَبْرِ وَ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ تُكْتَبُ لَكَ زُورَةٌ وَ الرُّزْرَةُ حِجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 4، ص 589، ح 8

در بعضی منابع آمده است که پیغمبر اکرم فرمود: نود حج از حج‌های من در پرونده اعمالش نوشته می‌شود:

«كَانَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَ دَاتِ يَوْمٍ فِي حَجْرِ النَّبِيِّ يُلَاعِبُهُ وَ يُصَاحِكُهُ فَقَالَتْ عَائِشَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَشَدَّ إِعْجَابَكَ بِهَذَا الصَّبِيِّ؟

فَقَالَ لَهَا وَيَلِكُ وَ كَيْفَ لَا أُحِبُّهُ وَ لَا أُعْجِبُ بِهِ وَ هُوَ ثَمَرَةٌ فُؤَادِي وَ قُرَّةُ عَيْنِي أَمَا إِنَّ أُمَّتِي سَتَفْتُلُهُ فَمَنْ زَارَهُ بَعْدَ وَفَاتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حِجَّةً مِنْ حِجَجِي

قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ حِجَّةً مِنْ حِجَجِكَ؟ قَالَ نَعَمْ حِجَّتَيْنِ مِنْ حِجَجِي قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ حِجَّتَيْنِ مِنْ حِجَجِكَ؟ قَالَ نَعَمْ وَ أَرْبَعَةٌ قَالَ فَلَمْ تَزَلْ تَزَادُهُ [تُرَادُهُ] وَ يَزِيدُ وَ يُضْعَفُ حَتَّى بَلَغَ تِسْعِينَ حِجَّةً مِنْ حِجَجِ رَسُولِ اللَّهِ بِأَعْمَارِهَا»

امام صادق (علیه السلام) فرمود: حسین بن علی (علیهما السلام) روزی بر زانوی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نشست، با او شادی می نمود و بازی می کرد. عایشه گفت: ای پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، چه چیزی شما را اینگونه شیفته این کودک نموده است؟

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به او فرمود: وای بر تو چگونه او را دوست نداشته باشم و شیفته او نباشد درحالی که او میوه دل من و روشنایی چشم من است، اما بدان که امت من او را خواهند کشت و هر کس او را پس از وفات من زیارت نماید، خداوند ثواب حجی از حج های من را برای او می نویسد .

گفت: ای پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) حج از حج های تو؟ فرمود: آری دو حج از حج های من. گفت: ای پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دو حج از حج های تو. فرمود: آری و چهار. گفت: همچنان زیاد و زیادتر می گردید تا آنکه به نود حج با پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید.

کامل الزیارات لابن قولویه، ص 68، باب 22 باب قول رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) بأن
الحسین (علیه السلام) تقتله امته من بعده.

به تعبیر بعضی از عزیزان، ما اعمالی انجام می دهیم، اما چه بساط اعمال ما موجب حبط باشد. ما نماز می خوانیم، روزه می گیریم، حج می رویم سپس خدای نکرده گناهی مرتکب می شویم که اعمال ما را حبط می کند.

در مقابل وقتی حج پیغمبر اکرم در پرونده اعمال ما قرار گرفت، حج رسول الله حبط شدنی نیست. امام حسین این است!

در روایت داریم وقتی نمازمان را بالا می‌برند، ایستگاه‌های مختلفی سر راه اعمالمان قرار دارد. به عنوان مثال ایستگاه «غیبت» سر راه است. ملائکه نگاه می‌کنند که آیا شخص نمازخوان اهل غیبت بوده است یا خیر. اگر او اهل غیبت بود، نماز را برمی‌گردانند و بر سرش می‌کوبند. اگر اهل غیبت نبود، از آن ایستگاه گذر می‌کند و به ایستگاه بعد می‌رود.

ایستگاه دوم ایستگاه «دروغ» است. اگر شخص نمازخوان اهل دروغ بود نماز او را برمی‌گردانند و اگر اهل دروغ نبود نمازش از آن ایستگاه عبور می‌کند.

در روایت آمده است اگر کسی نمازش را با تربت امام حسین بخواند، وقتی ملائکه می‌بینند از این نماز بوی تربت امام حسین می‌آید همگی کنار می‌روند و جرئت نمی‌کنند اصلاً سؤال بپرسند که اعمال این نمازخوان چگونه بوده است!!

آقایان تصور نکنند این مطالب غلو است. از کرم و فضل الهی خیلی بالاتر از این انتظار می‌رود. به تعبیر امیرالمؤمنین صفات حق تعالی قابل درک نیست، قابل شمارش نیست و قابل توصیف نیست.

هرچه بخواهید در عظمت فضل و کرم الهی بگویید، بازهم قطره‌ای از میلیاردها میلیارد اقیانوس فضل الهی را نمی‌توانید بشمارید. فضل الهی لایتناهی است و فکر ما محدود است.

مجری:

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية مولانا أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (سلام الله عليه)

یک میان برنامه می‌بینیم و سپس به سراغ فرمایشات شما بینندگان عزیز و ارجمند می‌رویم.

لبیک یا حسین؛ ان شاء الله که لبیک‌های ما هرچه سریع‌تر به آن درگاه برسد و بتوانیم حضوراً توفیق زیارت حضرت ابا عبدالله الحسین را پیدا کنیم.

حضرت استاد بدون فوت وقت به سراغ پیام‌هایی برویم که بینندگان عزیز دادند. ابتدا یک پیام صوتی می‌شنویم، سپس به سراغ مکتوباتی می‌رویم که به دست ما رسیده است. پیام صوتی یکی از بینندگان را با هم می‌شنویم.

آیا «ابن عباس» و فرزندانش هم جزء اهل بیت پیامبر محسوب می‌شوند!؟

سلام. می‌خواستم بدانم همانطور که حضرت علی جزو اهل بیت و عترت حساب می‌شود، از آنجایی که امیرالمؤمنین پسرعموی پیامبر است آیا «ابن عباس» و فرزندان ایشان هم جزو عترت پیغمبر کرم محسوب می‌شوند که در حدیث ثقلین هم به حساب بیایند؟

مجری:

تشکر می‌کنیم از این که این عزیزمان با برنامه خودشان در ارتباط بودند و این پیام را فرستادند. استاد این پیام را پاسخ بفرمایید، سپس تلفن‌هایی هم هست که باید به آن بپردازیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما روایات متعدد از اهل سنت داریم که مراد از «ثقلین» چه کسانی هستند. در خصوص مصداق اهل بیت در کتاب و سنت و سیره در کتاب «صحیح مسلم» حدیث 2424 آمده است.

«خَرَجَ النَّبِيُّ عِدَاهُ وَعَلَيْهِ مِرْطٌ مُرَحَّلٌ مِنْ شَعْرِ أَسْوَدَ فَجَاءَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ فَأَدْخَلَهُ ثُمَّ جَاءَ الْحُسَيْنُ فَدَخَلَ
مَعَهُ ثُمَّ جَاءَتْ فَاطِمَةُ فَأَدْخَلَهَا ثُمَّ جَاءَ عَلِيُّ فَأَدْخَلَهُ ثُمَّ قَالَ (إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ
الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1883، ح 2424

«ابن عساکر» در کتاب «اربعین» خود از قول «ابو سعید خدری» به نقل از «أم سلمه» می‌نویسد:

«قلت یارسول الله ألسنت من أهل البيت»

من گفتم: ای پیغمبر خدا! آیا من از اهلبیت هستم؟

«قال إنک إلى خیر إنک من أزواج رسول الله»

پیغمبر اکرم فرمود: تو انسان خوبی هستی. تو از همسران پیغمبر اکرم هستی.

«قالت وأهل البيت رسول الله وعلی وفاطمة والحسن والحسین»

سپس می‌نویسد:

«والآیة نزلت خاصة فی هؤلاء المذكورین»

الأربعین فی مناقب أمهات المؤمنین رحمة الله علیهن أجمعین، المؤلف: أبو منصور عبد الرحمن بن

محمد بن هبة الله بن عساکر، الناشر: دار الفكر - دمشق، الطبعة الأولى، 1406، تحقیق: محمد مطیع

الحافظ، غزوة بدر، ج 1، ص 105، الحديث السادس والثلاثون

جالب اینجاست که آقای «ماوردی» یکی از متکلمین نامی اهل سنت متوفای 450 هجری است که معاصر

«نجاشی» و «شیخ طوسی» است. ایشان در کتاب «النکت و العیون» جلد چهارم نقل می‌کند:

«أنه عنی علیاً وفاطمة والحسن والحسین رضی الله عنهم»

تفسیر الماوردی = النکت و العیون، المؤلف: أبو الحسن علی بن محمد بن محمد بن حبیب البصری

البغدادی، الشهیر بالماوردی (المتوفی: 450 هـ)، المحقق: السید ابن عبد المقصود بن عبد الرحیم،

الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت / لبنان، ج 4، ص 401، باب سورة الأحزاب

این مطلب از قول «ابو سعید خدری» و «أنس بن مالک»، «عایشه» و «أم سلمه» نقل شده است. این روایات همگی نشانگر این است که نبی گرامی اسلام افرادی که مشمول آیه تطهیر و جزو اهل بیت هستند را معین فرموده است.

ما یک روایت هم نداریم که پیغمبر اکرم فرموده باشند «عایشه» از اهل بیت است، «أم سلمه» از اهل بیت است، حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از اهل بیت است، «عباس» عموی من از اهل بیت است، یا پسرعموهای من از اهل بیت هستند.

در مقابل ما صدها روایت و اقوال بزرگان اهل سنت را داریم که آنها به صراحت گفتند که پیغمبر اکرم فرمود: اهل بیت که آیه تطهیر در حق آنان نازل شده است من و علی بن ابی طالب و فاطمه و امام حسن و امام حسین هستیم.

ما روایات دیگری هم داریم که حضرت زین العابدین (سلام الله علیه) هنگام ورود به شام عده ای ابراز خوشحالی کردند و گفتند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَتَلَكُمْ وَ أَهْلَكَكُمْ وَ أَرَاخَ الْبِلَادَ عَنْ رِجَالِكُمْ وَ أَمَكَنَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْكُمْ»

حضرت در جواب فرمود:

«يَا شَيْخُ هَلْ قَرَأْتَ الْقُرْآنَ؟... فَهَلْ قَرَأْتَ هَذِهِ الْآيَةَ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً قَالَ الشَّيْخُ قَدْ قَرَأْتُ ذَلِكَ فَقَالَ عَلِيُّ ع فَتَحْنُ أَهْلَ الْبَيْتِ الَّذِينَ خَصَّصَنَا اللَّهُ بِآيَةِ الطَّهَارَةِ يَا شَيْخُ»

فرمود: آیا قرآن خوانده ای؟ آیا آیه تطهیر را خوانده ای؟! گفت: بله خواندم. امام فرمود: اهل بیتی که در این آیه آمده، ما هستیم.

اللہوف علی قتلی الطفوف؛ ابن طاووس، علی بن موسیٰ؛ ترجمہ فہری زنجانی، ناشر: جهان - تہران،

1348ش؛ النص، ص: 176

«ابن کثیر دمشقی» ہم در کتاب «البدایة و النہایة» این روایت را نقل می‌کند. همچنین روایاتی از قول امام صادق (علیہ السلام) و امام باقر (علیہ السلام) در این خصوص داریم.

این روایات ہمگی نشانگر این است کہ اہلبیت (علیہم السلام) تنہا و تنہا همان کسانی هستند کہ زیر عبای یمانی بودند، نبی گرامی اسلام بیان فرمودند و سپس کسانی کہ بہ آنها پیوستند فرزندان آن بزرگواران هستند.

تماس بینندگان برنامه:

مجری:

تشکر می‌کنیم از عزیزی کہ تماس گرفتند. آقای احمدی از قم پشت خط هستند. آقای احمدی سلام علیکم، در خدمت شما هستیم، صدای شما را می‌شنویم:

بیننده (آقای احمدی از قم - شیعه):

سلام. سؤال من این است کہ استاد فرمودند در «تفسیر آلوسی» جلد 15 صفحہ 126 آمده است کہ پیغمبر اکرم واسطہ تمامی موجودات است. ابتدای حدیث لفظ «قیل» آمده است کہ بہ صوفیہ نسبت داده شدہ است.

بنده می‌خواستم خواهش کنم استاد یک مرتبہ دیگر حدیث را نشان بدهد تا قضیہ قدری روشن‌تر شود.

مجری:

از تماس شما تشکر می‌کنیم. البتہ استاد مسانید زیادی را نشان دادند کہ «روح المعانی» ہم یکی از آنها بود. آقای بہادری از کرج پشت خط هستند. آقای بہادری سلام علیکم، بفرمایید:

بیننده (آقای بهادری از کرج - شیعه):

سلام علیکم و رحمة الله. این ایام را خدمت حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی و جناب آقای مرعشی تسلیت عرض می‌کنم. حضرت استاد مطالب بسیار زیبایی را فرمودند.

بنده تنها به ذکر یک مطلب بسنده می‌کنم که در حدیث کساء، زنان پیغمبر اکرم در داخل این آیه نیستند. حتی در خصوص «أم سلمه» هم حضرت استاد فرمودند که رسول الله دستور ندادند داخل کساء شوند.

آقای «فخر رازی» در کتاب خود می‌نویسد: در قول خدا یک لطیفه است. کسانی مشمول این آیه هستند که خداوند لباس کرامت و عصمت بر آنها پوشانده است. ایشان می‌گویند: علی و فاطمه و حسن و حسین و زنان پیغمبر اکرم هم هستند.

من چند سؤال از آقای «فخر رازی» دارم. شما ادعا می‌کنید که زنان پیغمبر اکرم هم داخل این آیه هستند. چطور نجاست از این زن‌ها برداشته شده است؟!

اگر ما بپذیریم که پیغمبر اکرم و رجال دیگر در این آیه هستند، این افراد چه کسانی هستند؟! آیا غیر از پنج تن آل کساء چطور مطمئن هستید که این رجال یا همسران پیغمبر اکرم تا آخر عمر مرتکب کوچکترین اشتباه و لغزش نمی‌شوند؟!

عصمت به کسانی داده می‌شود که تا پایان عمر خود گناه نمی‌کنند و این معصومیت تا آخر عمر برای آنها محفوظ است. آیا کسانی که شما ادعا می‌کنید شامل این آیه هستند، تا آخر عمر یک گناه کوچک نکردند؟!

آقای «فخر رازی» با روایات «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» چه می‌کنید؟! چرا خانم عایشه در پاسخ سؤال جناب عمر در رابطه با این آیه طفره می‌رود و وقتی ایشان سؤال می‌پرسد او ارجاع به «أم سلمه» می‌کند و می‌گوید از «أم سلمه» بپرسید؟

آقای «فخر رازی» شما که به وضوح می‌گویید این آیه شامل زنان پیغمبر اکرم می‌شود، چرا عایشه این فضیلت را از خود دور می‌کند؟! چرا ورود خود را به آیه تطهیر مباهات و مفاخره نمی‌کند و به چیزهای جعلی و واهی مفاخره می‌کند؟!

به عنوان مثال عایشه می‌گوید پیغمبر اکرم مرا روی دوش خود سوار کرد تا منزل رفاصه‌ها را مشاهده کنم! آقای «فخر رازی» با آنچه در آیه مباهله و دیگر آیات آمده است چه می‌کنید؟! یقیناً به کتاب «صحیح مسلم» و روایات صحاح سته خودتان احاطه دارید. بنابراین این آیه تنها شامل پنج تن آل کساء است. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

مجری:

بسیار عالی، احسنتم، بسیار ممنون و متشکر از تماس‌تان و از بیان شیوا و رسا و سؤالات ویرانگرتان از وهابیت رسوا شده. حضرت استاد در محضرتان هستیم.

آرزوی دست نیافتنی «عایشه» و «ام سلمه»!!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده در تشریح فرمایش جناب آقای بهادری عزیز مطلبی را نشان دهم. آقای «طحاوی» متوفای 321 هجری یکی از علمای اهل سنت است که معاصر «مرحوم کلینی» و «طبری» بوده است.

لازم به ذکر است که او را «الإمام المحدث الفقیه المفسر» خطاب می‌کنند. او که جزو استوانه‌های درجه یک اهل سنت است، در کتاب «شرح مشکل الآثار» جلد دوم صفحه 244 روایت زیبایی از «أم سلمه» آورده است.

در روایت آمده است که حضرت فرمود: علی بن ابی طالب و حضرت فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین در زیر عبا بودند که این آیه آمد. من گفتم: آیا من هم از اهلبیت هستم یا خیر؟!

«فَقَالَ إِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ حَيْرًا»

حضرت فرمود: تو نزد خدا جایگاه خوبی داری.

«فَوَدِدْتُ أَنَّهُ قَالَ نَعَمْ فَكَانَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا تَطْلُعُ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَتَغْرُبُ»

دوست داشتم که حضرت بگویند بله، زیرا اگر بله گفتند از تمام آنچه آفتاب بر او غروب می‌کند و طلوع می‌کند با ارزش‌تر بود.

شرح مشکل الآثار، اسم المؤلف: أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة الطحاوی، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان / بيروت - 1408 هـ - 1987 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، ج 2، ص 244

مراد «أم سلمه» این بود که بله گفتن حضرت، از تمام ثروت کره زمین ارزشمندتر بود. مشاهده کنید چقدر زیبا و عالی است! «أم سلمه» مشاهده می‌کند که این آیه تطهیر است.

(إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

سوره احزاب (33): آیه 33

«أم سلمه» می‌گوید: من بازهم خواستم از پیغمبر اکرم سؤال کنم، شاید نام مرا هم جزو اصحاب کساء آورد. در کتاب «مسند أحمد بن حنبل» جلد 6 صفحه 296 آمده است که «أم سلمه» می‌گوید وقتی می‌خواستم جلو بروم، پیغمبر اکرم فرمود:

«قَوْمِي فَتَنَّا لِي عَنْ أَهْلِ بَيْتِي»

بلند شو و از اهلبیت من دور شو!

قالت فُقْمْتُ فُتْنَحَيْتُ فِي الْبَيْتِ قَرِيْبًا

أم سلمه می‌گوید: من بلند شدم و از اهلبیت قدری فاصله گرفتم.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - مصر، ج 6، ص 296، ح 26582

در کتاب «تفسیر ابن کثیر دمشقی» متوفای 774 هجری شاگرد «ابن تیمیه» جلد سوم صفحه 486 روایتی در رابطه با عایشه از قول او آمده است که می‌گوید من نزد پیغمبر اکرم رفتم و گفتم:

«یا رسول الله وأنا من أهل بیتک»

یا رسول الله! آیا من هم جزو اهلبیت تو هستم؟

«فقال تنحى فإنك على خير»

تفسیر القرآن العظیم، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقي أبو الفداء، دار النشر: دار الفكر -

بيروت - 1401، ج 3، ص 486، باب تطهير آل البيت

مشاهده کنید زنان پیغمبر اکرم که نزدیک‌ترین افراد به حضرت بودند، به دنبال این بودند که خودشان را به هر نحو به اهلبیت بچسبانند.

این عزیزمان که سؤال فرمودند روایت کتاب «روح المعانی» با «قیل» آمده است، به این روایت دقت کند. ما

نباید زیاد ملالغتی باشیم. در کتاب «روح المعانی» جلد 15 صفحه 126 آیه 57 از سوره مبارکه إسراء را

می‌آورد:

(أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ)

آن‌ها کسانی هستند که خودشان وسیله‌ای (برای تقرب) به پروردگارشان می‌طلبند.

سوره اِسراء (17): آیه 57

اقوال را می‌آورد.

«وقیل هی کرمه تعالی القديم وإحسانه عز وجل العمیم وقیل هی الشفاعة یوم القيامة»

ایشان مطالب دیگری می‌آورند و سپس می‌نویسند:

«فکل من عبد من دون الله تعالی من عیسی وعزیر والملائكة علیهم السلام وسیلتهم إلی الله تعالی نبینا

بل هو علیه الصلاة والسلام وسیلة سائر الموجودات والواسطة بینهم»

«فکل» در اینجا با «ف» نتیجه آمده است و حرف خود «آلوسی» است. او در اینجا نمی‌گوید: «قیل من عبد

من دون الله تعالی» بلکه دارد نتیجه گیری می‌کند.

اگر کسی از ادبیات عربی آگاهی داشته باشد، مفهوم را متوجه می‌شود. به عنوان مثال ایشان ابتدا می‌گوید:

«وقرره بعض الصوفیة»

و سپس می‌گوید:

«أطلقوا الوسيلة علیه علیه الصلاة والسلام وفسرها بذلك هنا بعض الصوفیة»

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین

السید محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج 15، ص 126، باب

الإسراء: (72) ومن كان فی... ..

«ف» در «فکل» به معنای نتیجه است و مراد این است که وسیله عیسی و عزیر و ملائکه همگی نبی گرامی اسلام است.

بر فرض که ایشان از صوفیه نقل کرده است، آن را نقد کرده و رد کرده یا رد نکرده باشد. قاعده کلی است که اگر کسی مطلبی را نقل کند و نقد نکند، پذیرش است.

حال در کتاب «مصباح الظلام فی المستغیثین بخیر الانام» اثر «الامام المحدث الفقیه القدوة ابی عبد الله محمد بن موسی المراكشی» متوفای 683 روایت دیگری در این خصوص آمده است. ایشان انبیاء الهی را تک تک نام می‌برد و می‌نویسد:

«و به توسل آدم فی ذنبه * و تشفعت بمقامه حواء

حضرت آدم در گناهش به پیامبر اسلام متوسل شد.

و به توسل نوح فی طوفانه * فأجیب حین طغی علیه الماء»

زمانی که کشتی حضرت نوح گرفتار موج شد به پیغمبر اسلام متوسل شد.

«و به دعا إدريس فارتفعت له * عند الإجابة رتبة علیاء

و به استجیب دعاء آیوب و قد * أودی به عند المصاب بلاء

و به نجا من بطن حوت یونس * لما دعا و تجلت الظلماء

و ارتد یعقوب بصیرا إذ دعا * بالمصطفی فعلیه عاد ضیاء»

زمانی که حضرت یعقوب نابینا شده بود، به پیغمبر اکرم متوسل شد و خداوند بینایی‌اش را برگرداند.

و به تمکن یوسف فی مصره * من بعد ما أودت به الضراء

و به سلیمان استجار فعاد عن * کتب إليه الملك کیف یشاء

و به الخلیل نجا من النار آلتی * اذکی ضرام لهیبا الأعداء

حضرت ابراهیم خلیل الرحمان به برکت پیغمبر اکرم از آتش نجات پیدا کرد.

«و به الذبیح فدی بذبح جاءه * فله کما شهد الكتاب فداء»

اگر حضرت اسماعیل ذبح نشد و چاقو گلویش را نبرید، به جهت توسل به پیغمبر اکرم بود.

«و بمحمد فاز الکلیم بطوره * لما أتاه من الإله نداء»

اگر حضرت موسی در کوه طور با خدا مناجات کرد، به واسطه رسول اکرم بود.

«و کذلک یحیی عاد معصوما به * و له عن الذنب الدنی إباء»

اگر حضرت یحیی از آن گرفتاری نجات پیدا کرد به برکت پیغمبر اکرم بود.

و به استجارت مریم فی حملها * فأجار عن کتب و زال عناء

و بسره عیسی توسل فأنتنی * من شأنه بین الوری الإحیاء»

مصباح الظلام فی المستغیثین بخیر الانام، نویسنده: ابی عبد الله محمد بن موسی المراكشی، ناشر: دار

الکتب العلمیه، بیروت لبنان؛ ص 29

آقای بزرگوار! این مطالب یک عبارت یا دو عبارت نیست. البته ما از این عزیزمان تشکر می‌کنیم که باعث شد این مطالب بیان شود.

همچنین «صالحی شامی» در کتاب «سبل الهدی» جلد اول صفحه 104 و کتاب «تاریخ دمشق» جلد 7 صفحه 386 و «سیوطی» در کتاب «الدر المنثور» جلد اول صفحه 313 این مطالب را بیان کرده است.

همچنین «قسطلانی» در کتاب «المواهب اللدنیة» جلد اول صفحه 43 و «حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد دوم صفحه 722 این قضایا را آوردند.

این مطالب یک مورد یا دو مورد نیست که ما آن را زیر سؤال ببریم. کتب شیعه مملو از این روایات است و از حد تواتر گذشته است.

این کتب علمای اهل سنت است که واسطه فیض نبی گرامی اسلام را شمرده‌اند. این شخص از حضرت آدم تا حضرت عیسی و حضرت موسی و حضرت اسماعیل و حضرت مریم را نام برده که در تمام گرفتاری‌ها به پیغمبر اکرم متوسل می‌شدند.

این موارد یک مورد یا دو مورد نیست که ما اشکال کنیم و بگوییم که در اینجا «قیل» آمده است یا در اینجا از صوفیه مطلب نقل شده است.

برفرض از صوفیه هم نقل شده باشد. طبق آنچه در ذهن دارم از میان جمعیت اهل سنت جهان، ششصد میلیون صوفی هستند. اگر قرار باشد ما صوفیه را خارج کنیم، باید ششصد میلیون مسلمان و اهل سنت را خارج کنیم.

شاید مجموع صوفی‌های شیعه ما در کره زمین یک میلیون نفر نباشند، اما صوفی‌های اهل سنت ششصد میلیون نفر هستند.

چنین نیست که ما بگوییم به دلیل اینکه این افراد صوفی هستند ما باید سخنشان را رد کنیم. ما که وهابی نیستیم که اشعری را کافر بدانیم، صوفی را کافر بدانیم، معتزله را کافر بدانیم یا شیعه را کافر بدانیم. طبق نظر ما کسی که معتقد به وحدانیت خدا و رسالت پیغمبر اکرم باشد، ما او را مسلمان می‌دانیم.

مجری:

احسنتم، بسیار استفاده کردیم. الحمد لله تک تک این سوالات هم بهانه‌ای شد برای ذکر بیشتر فضائل اهل بیت (علیهم السلام) و حقیقتاً از کلام شیوای شما لذت بردیم. بسیار تشکر می‌کنیم و ممنون و سپاسگذاریم.

همچنین تشکر می‌کنیم از همه شما عزیزان و عذرخواهی می‌کنیم از دوستانی که پیام‌های زیادی به ما داده بودند و پشت خط بودند، اما متأسفانه نتوانستیم در خدمتشان باشیم.

آقای عصمت الله همراز هم تأکید کردند و درخواست کردند که دعای خیری بفرمایید و بنده هم در همین برنامه به دلیل اینکه خواسته بودند اسمشان را بیان کردم.

ان شاء الله که همه ما در پرتو عنایات اهل بیت (علیهم السلام) قرار بگیریم و بتوانیم خدمتگذار مکتب اهل بیت باشیم.

اللهم اجعل محیانا محیا محمد و آل محمد اللهم اجعل مماتنا ممات محمد و آل محمد اللهم صل علی محمد و

آل محمد

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته